



شما در این فیلم با شخصیت زنی روبه‌رو می‌شوید که برایش اتفاق ناگواری افتاده است و نظیر این اتفاق برای بسیاری از زنان هم روی داده اما آن‌ها باز گویی ماجرای که بر آن‌ها گذشته، با دارند. این اتفاق برای «راحله» زنی در طبقه فرودست جامعه که موقعیت‌های مرسلارانه متعددی دارد رخ می‌دهد. این لفعال جبری است که ساختارهای اجتماعی به او تحمیل می‌کند تا مجبور به پنهان‌کاری می‌شود و در غیر این صورت زندگی او در آینده دچار تزلزل خواهد شد. فیلمساز البته هرگز در جایگاه قضاوت قرار نگرفته و نمی‌خواهد این میان قضاوت کند، بلکه می‌خواهد به شرایطی اجتماعی که دست به دست هم می‌دهند تا زنی مانند «راحله» را در چنین موقعیتی قرار دهند تا مجبور به لفعال شود، اشاره کند.

او در پاسخ به این پرسش که فیلمساز نباید سکوت در چنین موقعیتی را به چالش بکشد؟ گفت: درست است که شخصیت اصلی فیلم منفعلانه رفتار می‌کند اما به این معنی نیست که فیلمساز سکوت در برابر چنین معضلاتی را تشویق کند اما خیلی از ست‌ها و هست‌ها، باید و نباید بیرون می‌کشیم اما باید توجه داشت که در فیلم «بلق» یک موقعیت گزارش شده است و خود این گزارش به نوعی نگاهی آسیب‌شناسانه به مایع است.

صانمی درباره مطرح کردن رفتار لفعال شخصیت «راحله» در آخرین ساخته‌تر گس آبیار هم گفت: برخی این انفعال را در قالب نقد مطرح کردند اما باید به این موضوع دقت کرد که فیلمساز با نگاهی جامعه‌شناختی دلایل انفعال شخصیت اصلی فیلمش را به نحوی دراماتیک مطرح می‌سازد. او موقعیتی آسیب‌زننده را به تصویر کشیده و ما باید مفهیم را در متن و منطق فیلم ارزیابی و سپس قضاوت کنیم. جامعه‌شناس، سیلست‌مدار نیست، مصالح اجتماعی هم نیست، زملی هم که فیلمساز از نگاه جامعه‌شناسی به اتفاقات و جریان‌های نگرده، در چنین مقام‌هایی قرار نمی‌گیرد. البته روشنفکر کسی است که چراغ می‌اندازد و روشنگری می‌کند.

منتقد سینمای ایران درباره درونمایه اصلی فیلم «بلق» هم توضیح داد: همانطور که گفتیم نقد‌هایی به «بلق» و شخصیت «راحله» شد که چرا او تا این حد منفعل است؟ به نظر من فیلمساز اتفاقاً اینجا می‌خواهد همین چرایی را مطرح و نقد کند. در پی این است که چه شرایط اجتماعی، فرهنگی و... در جامعه وجود دارد که به چنین انفعالی منتهی می‌شود؟ این دغدغه و دلمشغولی اصلی کارگردان فیلم «بلق» است که اتفاقاً موضوع بسیار مهمی را هم در بونه نقد می‌گذارد.

او در پاسخ به این پرسش که با توجه به این صحبت‌ها آیا می‌توانیم بگوییم «بلق» فیلمی محافظه‌کارانه است؟ تصریح کرد: خیر! این فیلم به هیچ عنوان محافظه‌کارانه نیست، چرا که در تلاش برای به چالش کشیدن ساختارهای فرهنگی یک جامعه است. شما می‌بینید که کارگردان جای این که تمرکزش را روی واکنش راحله صرف کند، بلند جامعه‌شناسی که برایش کتاب و قلم است، با دوربین موقعیتی لفعالی را ترسیم کند. البته موضوعی که دست‌مایه ساخت «بلق» قرار گرفته جنبه تاریخی دارد و اتفاقاً بحث جامعه‌ما هم نیست و مقوله‌ای جهانی محسوب می‌شود. در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی در برخی جوامع غربی نیز مردان جنس برتر به حساب می‌آمدند و استقلال عمل بیشتری داشتند. رضابرهنی در کتاب جاودان خود «تاریخ‌مذکر» به این پرداخته که گلهی گفته می‌شود زن‌ها نقشی در شکل‌گیری تاریخ ماند داشته‌اند، چون همان ساختارهای مرسلارانه به زن‌ها مجال نداده تا از موقعیت زنانه خود استفاده کنند. این موضوع فقط خاص ادبیت و آزار زنان هم نیست. برای نمونه در یک اداره، با توجه به لشکال اداری که موجود است، سازمان و ساختار طوری تنظیم شده که امکان و موقعیت پیشرفت برای مردها بیشتر لحاظ شود.

صانمی درباره همزمانی ساخت فیلم «بلق» با راه‌اندازی جنبش «می‌تو» اظهار کرد: یاد می‌آید که فیلم «بلق» قبل یا بعد از راه‌افتادن جنبش می‌تو تولید شد اما اگر این فیلم با جنبش شدن می‌تو مملس شد، البته باز هم باید به این موضوع اشاره کرد که در نقد «بلق» آن را فیلمی محافظه‌کارانه توصیف می‌کنند که شخصیت اصلی‌اش علیه جریان نامطلوب محیط طغیان نمی‌کند اما همین کنش هم نشان می‌دهد فیلمساز دقیقاً دنبال چه چیزی است.

او درباره امکان تولید آثار ی با مضامین مشابه «بلق» هم گفت: در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خورشیدی برای طرح چنین مسائلی باید تابوشکنی می‌کردیم اما این تلو‌حوالا شکسته شده است. هر چند آثار مشابه فیلم «بلق» زیاد نیستند اما حالا در جایی قرار گرفته‌ایم که می‌توانیم رازهای مگو را بیان کنیم. برای نمونه یک دهه پیش هم فیلم «هیس» دخترها فریاد می‌زند» با تمی مشابه تولید شد و همین که سینمای ما امکان طرح این موضوعات را پیدا کرده، اتفاق بسیار مسرتبخشی است.

بیلیم، به قصه‌های زنانه برمی‌خوریم که در آثار او همواره به چشم می‌آید اما آن جهان خاصی که گفتیم اینجا دیده نمی‌شود. گاهی فیلمساز در زلرهای مختلف با مضامین گوناگون دست به تولید اثر می‌زند که این هم بر گرفته از جهان خلص سینماگران است.

این منتقد سینمای ایران درباره ویژگی‌های کسلی که در فیلم‌های آبیار به چشم می‌خورد هم تصریح کرد: بی‌گمان مهم‌ترین ویژگی همه آثار آبیار دلشتن دستان فیلم است. به عبارت دیگر، آبیار سینمای قصه‌گویی دارد و دلایش هم خلستگاه‌تر گس آبیار است. او از ادبیت داستانی وارد سینما شده است. پس به قصه فیلمش اهمیت بسیار زیادی می‌دهد. فارغ از هر ارزیابی سینمایی، قصه‌گو بودن آبیار سینمای نکته بسیار مهمی است. مخاطبان با این دست فیلم‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و این از ویژگی‌های بسیار خوب یک فیلم است. در واقع اگر بخواهیم دو مولفه همیشگی کارهای آبیار را در کارهایش مدنظر قرار دهیم باید به مقوله‌های قصه‌گویی و مسائل و چالش‌های زنان در جامعه اشاره کنیم. یابه عبارت بهتر باید بگوییم قصه‌گویی و غصه‌های زنانه مولفه‌های برجسته آثار این فیلمساز را تشکیل می‌دهند.

عضو شورای مرکزی انجمن منتقدان سینمای ایران درباره این که گفته می‌شود «بلق» قصه‌دنداشته از شخصیت «راحله» قهرمان بسازد و لفعال او هم دلیل برای ضدقهرمان شدنش نیست. بنا بر این تعریف «بلق» داستان موقعیت است نه شخصیت، توضیح داد: این درست است که فیلم روایت‌گر موقعیتی خاص است اما شما می‌بینید که در جریان این روایت به شخصیت‌ها هم پرداخته می‌شود. پس می‌توان گفت هر دونوع دستان (داستان موقعیت و داستان شخصیت) اینجا مدنظر کارگردان بوده است. اتفاقاً نقد‌هایی درباره پرداخت شخصیت‌ها، به ویژه شخصیت «راحله» و انفعال او مطرح شده است. این در حالی است که معتقدم بازنمایی و بازگویی چرایی این لفعال دلمشغولی اصلی کارگردان «بلق» است. ضمن اینکه تلاش زیادی هم برای تشریح موقعیت انفعالی شخصیت اصلی دستان فیلم دارد. صانمی در توضیح نگاه آسیب‌شناسی به فیلم «بلق» اظهار کرد:

یکدیگر را نشان دهد. اما نمادها اصطلاحاً از فیلم بیرون زده است. از طرف دیگر نمی‌توان با شیوه‌های دوربین روی دست و استفاده از جا و مه‌های ویژه میدانی آن فضا و لتهلی را که در آن جریان دارد، ترسیم کرد. او در پاسخ به این پرسش که آیا داستان فیلم «بلق» متناسب با فضای ترسیم شده نبوده، گفت: خانم آبیار با اشراقی که در حوزه ادبیت داستانی دارد، می‌داند که پرداخت و ساخت چنین فضاهایی نیاز به شناخت دقیق‌تر از بلیت جزئیات شخصیت‌ها و کاراکترها دارد. نمی‌شود در ترسیم و نمایش یک فضای شهری خاص با یک الگوی دم‌دستی که منجر به فضاهای اگر و تیک و آخر از زملی است، دستان را به فضا تحمیل کرد.

طهماسبی درباره بهره‌گیری از نمادپردازی در فیلم «بلق» گفت: نمادهایی از قبیل موش‌ها و چرخ و فلک و شیوه پرداخت به دستان در این فیلم کارکردندار همین امر هم باعث این شده که فیلم به سمت کلیشه و شعارزدگی حرکت کند.

**رضاصانمی:**

**«بلق» انفعال را نغدمی‌کند**

سیدرضا صانمی نیز درباره نوع روایت «بلق» آخرین فیلم سینمایی تر گس آبیار گفت: برخی سینماگران، جهان خاص خود را دارند، مانند مسعود کیمیایی که در جهان ویژه خود، مفهیمی مانند عدالت، اعتراض و فقر را بیان می‌کند. البته باید توجه داشت که چنین مفاهیمی با مولفه‌های دیگری هم گره خورده‌اند. درباره تر گس آبیار و کارهایی که از او دیده‌ایم اگر بخواهیم وجه اشتراکی بین فیلم‌هایش